قسمت دوم

فراز و نشیب‌های نصب کنتور هوشمند چاه آب کشاورزی

■ مریم حسنی سعدی: دبیر کمیته آب

در شماره قبلی ماهنامه دنیای پسته به بخشی از فراز و نشیب‌های نصب کنتور و پیشینه آن در بخش کشاورزی پرداخته‌شد. با اینکه سال‌ها از نصب اولین کنتورها در بخش کشاورزی گذشته، اما هنوز در این زمینه توفیق بایسته‌ای در نصب و در دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده حاصل نشده‌است. اگر نگاه دقیقی به قوانین در رابطه با نصب کنتور داشته‌باشیم، می‌بینیم تنها دو موضوع در قوانین تکرار شده‌است: یک- تعیین زمان برای وزارت نیرو در نصب کنتور و دو- نحوه تأمین هزینه نصب آن. متأسفانه این قوانین نشان‌می‌دهد که مسئولان به وضعیت کنتور در کشور ساده‌انگارانه توجه می‌کنند و عدم موفقیت در آن را تنها عدم کفایت هزینه نصب می‌دانند!



باید گفت در اجرای این طرح نیز به مانند بسیاری از طرح‌های دولتی با نگاهی از بالا به پایین به تکرار رویه‌های گذشته بدون توجه به موانع و واقعیات اصرار می‌شود. عدم توجه به تجربیات چندین ساله اجرای کنتور، فراهم نکردن پیش‌نیازها، عدم رعایت رویه یکسان در تأمین هزینه و نداشتن ضمانت‌های کارکرد مناسب دستگاه‌ها، تعیین زمان بدون سازوکار ضمانت اجرایی و بسیاری از نواقص دیگر، موانعی هستند که موجب عملیاتی نشدن کنتورها شده‌اند. ضروری است که مسئولان و مجریان این موانع را شناسایی و آنها را مرتفع کرده و از هدررفت منابع و کاهش سرمایه‌های اجتماعی بیش از این جلوگیری کنند. در راستای تبیین این موانع و موضوعات در ادامه به برخی از این موانع می‌پردازیم.

فقدان ابزار کارآمد برای مدیریت میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی

طی این سال‌ها تنها شیوه اندازه‌گیری میزان برداشت آب چاه‌ها، کنتور بوده‌است. انواع مختلفی از آن بر روی چاه‌های کشاورزی کشور نصب شد؛ کنتورهای مکانیکی حجمی، کنتورهای الکترومغناطیس، کنتورهای اولتراسونیک و کنتورهای هوشمند آب و برق. اما تجربه نشان‌داده که این کنتورها کارایی مناسبی نداشته‌اند و از این‌رو در دوره‌های مختلف تغییر کرده‌اند. بهره‌برداران در این مدت متوجه شدند که این کنتورهایِ سفارشی؛ بعد از مدت کوتاهی از کار می‌افتند و عمر مفید آنها کوتاه بوده و یا در مقابل جریان الکتریکی و میدان مغناطیسی مقاومت نداشته‌اند. البته موضوع مهمی که می‌توان آن را جزو یکی از دلایل عدم رضایت بهره‌برداران به‌شمارآورد عدم تضمین کارکرد صحیح دستگاه است. درحال‌حاضر، تنها بهره‌برداران باید خسارت این عدم تضمین را متقبل شوند. در واقع، تمهیدات قانونی و ضمانت اجرایی برای رسیدن به اهداف این طرح و مسئولیت انتخاب ابزار مناسب برای مسئولان پیش‌بینی نشده‌است. وزارت نیرو و شرکت‌های آب منطقه‌ای بدون ضمانت قانونی و قبول مسئولیت، با شرکت‌های کنتورساز قرارداد می‌بندند و کشاورزان را ملزم به خرید کنتور از این شرکت‌ها می‌کنند! بنابراین، کشاورزان بر این باورند که کنتور به‌جای اینکه ابزاری در جهت حفاظت و جلوگیری از تجاوز به حقوق‌شان قرارگیرد به اسباب درآمدزایی برای عده‌ای مبدل شده‌است.

تقابل کنتورهای حجمی با رویه برداشت آب

باید یادآور شد که تا پیش از نصب کنتورهای هوشمند حجمی، آنچه که در جامعه کشاورزی کشور برای سنجش و رعایت میزان برداشت مورد تأکید و الزام بود تنها رعایت دبی چاه بود. کشاورزان نیز میزان سطح زیرکشت خود را بر اساس دبی پروانه در نظر می‌گرفتند. به‌عبارتی، میزان ساعت کارکرد، هر چند در پروانه‌ها ذکر شده‌بود، اما آگاهی و اطلاعی از این آیتم در پروانه‌ها تا زمان مطرح شدن تحویل حجمی آب به‌وسیله کنتور در اواخر دهه ۸۰، وجودنداشت. باید اذعان داشت این موضوع آن‌قدر برای بخش کشاورزی مغفول بود که حتی تا مدت‌ها بسیاری از کارمندان شرکت‌های آب منطقه‌ای و جهاد کشاورزی از مبنا، دلیل وضع این آیتم و چگونگی تعیین آن بی‌اطلاع بودند. تعیین ساعت کارکرد مجاز چاه‌ها نیازمند داشتن اطلاع دقیق از الگوی کشت، سطح زیرکشت، نیاز آبی گیاهان و بازدهی آبیاری در هر منطقه است. بنابراین، وزارت نیرو پیش از صدور پروانه می‌بایست اطلاعات مربوط به نوع کشت، میزان نیاز آبی و مقدار زمین را داشته‌باشد تا بتواند ساعت کارکرد را در پروانه درج کند. اما می‌دانیم آنچه در واقعیت اتفاق افتاده خلاف این رویه بوده‌است. غیرقابل انکار است که در دهه ۶۰ که چاه‌های بسیاری مجوز گرفتند، توجهی به نوع کشت و نیاز آبی و مقدار زمین نشده‌است. بنابراین، در پروانه‌ها تناسبی بین ساعت کارکرد و نوع کشت، نیاز آبی و مقدار زمین نیست. هر چند اذعان می‌شود که تعیین ساعت کارکرد بر اساس سند ملی آب تنظیم شده‌است. اما باید گفت در آیین‌نامه اجرایی بهینه‌سازی مصرف آب کشاورزی که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید، وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی موظف شدند که محاسبات لازم درباره خالص نیاز آبی محصولات مختلف کلیه مناطق و همچنین تعیین الگوی مصرف بهینه اقدام کنند. سپس، این محاسبات را به‌عنوان یک سند ملی در مورد الگوی مصرف بهینه آب کشاورزی به‌کار گیرند. در ۱۳ آبان ۱۳۷۷ هیئت‌وزیران "گزارش الگوی مصرف بهینه آب کشاورزی برای مناطق کشور" را به‌عنوان سند ملی آب مدنظرقراردادند. به‌عبارتی، دو دهه بعد از حفر چاه‌های بسیار و صدور پروانه، این سند وارد بخش کشاورزی شد!

از طرفی، باید توجه داشت این سند به‌دلیل عدم وجود دقت مکانی و زمانی، عدم توجه به مشخصات خاکشناسی، عدم وجود امکانات به‌روزرسانی، عدم لحاظ نمودن اثرات تغییر اقلیم و خشکسالی‌ها، استفاده از ضرایب یکسان و واسنجی نشده برای مناطق مختلف در برخی معادلات مورد استفاده قرارگرفته‌است. کاربرد ضرایب گیاهی غیرمنطبق با بسیاری از محصولات در مناطق مختلف، عدم محاسبه راندمان واقعی، عدم انطباق تاریخ‌های کشت محصولات با واقعیت، عدم لحاظ نمودن نوع سیستم‌های آبیاری و اثرات آن در محاسبات، منجر به این شده‌است که تقاضای مرتبط با نیاز آبی مبتنی بر سند، نسبت به آنچه در شرایط واقعی اتفاق می‌افتد تفاوت بسیار داشته‌باشد. البته باید یادآور شد وزارت جهاد کشاورزی در مهرماه سال ۱۴۰۱، پس از گذشت سه دهه، سند الگوی کشت را رونمایی کرد که هنوز در دسترس عموم نیست! بنابراین، حجم آب مبتنی بر ساعت کارکرد در پروانه‌ها تناسبی با نوع کشت و سطح زیرکشت ندارد و اعمالِ این ساعتِ کارکردِ غیرواقعی مسلماً منجر به کاهش برداشت آب می‌شود. از این‌رو، کشاورزان به‌خصوص باغداران راهی جز نابودی سرمایه‌گذاری‌هایی که چندین دهه پیش کرده‌اند ندارند و از لحاظ معیشتی در تنگنا قرارخواهندگرفت. می‌توان گفت آسیب اقتصادی ناشی از نصب کنتور که به بخش کشاورزی، به‌خصوص خرده مالکان، وارد می‌شود اصلی‌ترین مانع به‌شمار می‌آید و تا زمانی که برای این معضل چاره‌ای اندیشیده نشود و

قـرار باشـد تنهـا کشـاورزان تـاوان ایـن قصـور را متقبـل شـوند یقینـاً اهـداف پیش‌بینی‌شـده بـرای نصـب کنتـور بـرآورده نخواهدشـد.

یکـی از معضـلات دیگـر، تفـاوت سـاعت کارکـرد هـر پروانـه اسـت. تفـاوت سـاعت کارکـرد هـر پروانـه منجر بـه چالش‌هایی شده‌اسـت؛ مثـلاً در مواردی دیده‌می‌شـود که با سـطح زیرکشت و نوع کشت یکسان سـاعت‌های متفاوتی بـرای هـر پروانه ذکر شده‌اسـت و بهره‌بـرداران چنیـن حالتی را نوعی تبعیـض و بی‌عدالتی تلقی می‌کنند. البتـه در برخـی از اسـتان‌ها بـرای رفـع ایـن چالـش شـرکت‌های آب منطقـه‌ای اقـدام بـه اصـلاح سـاعت کارکرد دشـت‌ها کرده‌انـد و یـک سـاعت کارکـرد یکسـان بـرای هـر دشـت در نظـر گرفته‌انـد! امـا شـرکت‌های آب منطقـه‌ای اسـتان‌های دیگر این یکسان‌سـازی سـاعت کارکـرد را باتوجـه بـه تفـاوت فاحش سـاعت کارکرد بیـن چاه‌هـا امکان‌پذیـر نمی‌داننـد و بیان می‌دارنـد کـه در یکسان‌سـازی بایـد دبـی را کاهـش یـا افزایـش داد کـه ایـن نیـز موجـب چالش‌هـای بسـیار خواهدشـد. بی‌تردید عدم اجرای قانون بعد از چندین دهـه از وضـع آن، عـرف و رویـه دیگـری را به‌وجـود آورده‌اسـت. صرفـاً توجـه بـه اجـرای قانـون و مقابله با عرف، شکسـت ایـن طـرح را قریب‌الوقـوع نموده‌اسـت. از طرفی باید توجه داشـت که شرایط امروز بسـیار متفـاوت از قبـل اسـت، به‌گونـه‌ای کـه اصـرار بـه نصـب کنتـور در برخـی مناطـق عبـث اسـت. مثـلاً درحال‌حاضـر در بسـیاری از مناطـق به‌دلیـل کاهـش منابع آب میزان برداشـت کشـاورزان بسیار کمتـر از حجـم برداشـت پروانه آنهاسـت. بنابرایـن، نمی‌تـوان تنهـا بهره‌بـرداران را مقصـر وضـع موجود دانسـت، مسـئولان نیـز با قصور و عدم اجـرای قانون در زمان خـود و فراهـم نکـردن زیرسـاخت‌ها در بروز این وضعیت سـهیم هسـتند. مسلماً کارایـی و اثرگـذاری نصـب کنتـور منوط بـه شـناخت این موانـع و رفع آنها اسـت.



رهاسازی چاه‌های غیرمجاز؛ تبعیض و فشار مضاعف بر چاه‌های قانونی

وقتـی پلمـپ و مسـلوب‌المنفعه کـردن چاه‌هـای غیرمجـاز رهـا شده‌باشـد و تمـام فشـارها بـر روی بهره‌بردارانـی کـه قانون‌منـد هسـتند وارد گـردد، مسـلماً کشـاورزان نسـبت بـه اقدامـات وزارتخانـه نیرو نـگاه خوش‌بینانـه‌ای نخواهندداشـت و بـا آن همراهـی نمی‌کننـد. حتـی در مـواردی ایـن اقدامـات را بـه نفـع چاه‌های غیرمجـاز می‌داننـد؛ به‌عنـوان نمونـه، تجربـه بهره‌بـرداران نشـان‌داده کـه در آبخوان‌هایـی کـه بـا اُفـت مسـتمر آب روبـه‌رو هسـتند، خامـوش شـدن چاه‌هـا منجـر به بهبـود وضعیـت دبـی چاه‌های مجـاور می‌شـود. بنابرایـن، محدودیـت برداشـت بـرای چاه‌هـای مجـاز را بـه نفـع غیرمجازهـا می‌داننـد. بایـد گفـت کـه بی‌عدالتی‌هـای این‌چنینـی موجـب می‌شـود تـا سـرمایه‌های اجتماعـی برای بهبـود وضعیـت منابع آبـی از بیـن برود. نمـود ایـن تبعیـض و فشـار بـر چاه‌هـای قانونـی را نیـز می‌تـوان در جریمـه اضافـه برداشـت از چاه‌هـای مجـاز دیـد. عـلاوه بـر اینکـه رویه‌ای مشـخص و شـفاف برای جریمـه اضافـه برداشـت وجودنـدارد. در برخـی از اسـتان‌ها می‌بینیـم کـه جریمه اضافـه برداشـت چاه‌هـای قانونـی بیـش از جـریمه‌ای اسـت کـه بـرای چـاه‌های غیرمجـاز در نظـرگرفته‌شده‌اسـت.

سیطره بی‌حد و حصر وزارت نیرو بر منابع آبی کشور

شـاید بتـوان یکـی از عوامـل عـدم موفقیت وزارتخانـه نیـرو در عملیاتی کـردن طرح‌ها و وضعیت تأسـف‌بار منابع آبی را در سـلطه بی‌حـد و حصـر ایـن وزارتخانـه بـر منابـع آبی کشـور دانسـت. طـی دهه‌هـای اخیر، وزارتخانـه نیرو با سـوء اسـتفاده از ابهامات قانـون، خود را مالک بلامنازع منابع کشـور تلقی کرده‌اسـت. ایـن رویکرد منجر به‌کنار گذاشـتن مالـکان و بهره‌بـرداران منابع آبی در تصمیم‌گیری‌هـا شـده کـه در نتیجـه "تـراژدی منابـع مشـترک" بـرای منابع آبی کشـور را رقم زده‌اسـت. در چنین وضعیتی، همه اقشـار اعـم از مسـئولان، نمایندگان، مجریـان، پیمانکاران، بهره‌بـرداران و... تلاش می‌کننـد کـه بیشـترین نفـع را از این منبع ببرنـد. متأسـفانه، در این فضـا بی‌اعتمادی مشـهود اسـت و هـر طـرح و فعالیـت بـا شکسـت مواجه می‌شـود و نصب کنتـور را نمی‌توان از آن مسـتثنی دانست. در نتیجه، می‌بینیـم کـه بهره‌بـرداران مشـارکتی در نصب کنتـور و کنتـرل برداشـت‌ها ندارند.